

روابط ساختاری عاملهای شخصیت با نشانگان شخصیت ضد اجتماعی به واسطه نقش شادنفرو

نرگس یگانه^۱، عباس بخشی پور رودسری^۲

مجید محمود علیلو^۳

عوامل شخصیتی مختلفی می‌توانند بطور مستقیم یا با واسطه با بروز نشانه‌های روان‌شناختی مرتبط باشند. شادنفرو، هیجانی است به معنی لذت بردن از درد و رنج دیگران، و همانند تمام هیجانات دیگر می‌تواند در اکثر افراد تجربه شود. با این حال، شادنفرو می‌تواند در افرادی با ویژگیهای شخصیتی خاص و در حضور ماشه چکان‌های مخصوصی بیشتر ظاهر شود و نماینده احتمالی بعضی نشانه‌های اختلالات شخصیتی باشد. هدف از این پژوهش، بررسی مدل یابی معادلات ساختاری عامل‌های شخصیت با نشانه‌های اختلال شخصیت ضد اجتماعی با میانجی‌گری شادنفرو بود. برای این منظور، عاملهای شخصیت به عنوان متغیر برون‌زا، نشانه‌های اختلال شخصیت ضد اجتماعی به عنوان متغیر درون‌زا و شادنفرو به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شد. ۲۸۵ نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و با پرسشنامه‌های میلیون^۳ و سناریوهای فرضی شادنفرو مورد ارزیابی قرار گرفتند. ارزیابی مدل فرضی پژوهش با استفاده از شاخص‌های برازندگی نشان داد که مدل اندازه‌گیری شده برازش دارد. نتایج نشان داد که دلپذیری از میان عاملهای بزرگ شخصیت با واسطه‌گری شادنفرو بر روی نشانه‌های اختلال شخصیت ضد اجتماعی اثر معنی‌داری دارد. نتایج حاصل از این پژوهش در کنار حمایت از مدل فرضی برای نشانه‌های اختلال شخصیت ضد اجتماعی، چهارچوب مناسبی برای سبب‌شناسی این اختلال شخصیت ارائه می‌دهد.

کلمات کلیدی: شادنفرو، شخصیت ضد اجتماعی، پنج عامل بزرگ شخصیت، هیجان، روابط ساختاری

مقدمه

شخصیت، الگوی صفات نسبتاً دایمی و ویژگی‌های منحصر به فرد است که به رفتار شخص ثبات و فردیت می‌بخشد (رابرت و رازک، ۲۰۰۸). بهنجاری و نابهنجاری در شخصیت را نمی‌توان به طور عینی از هم تفکیک کرد. تمام این تمایزات، از جمله مقوله‌های تشخیصی راهنمای تشخیصی و آماری

۱ دپارتمان روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسؤل) nargesi.ygn@gmail.com

۲ دپارتمان روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۳ دپارتمان روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

اختلالات روانی، بخشی از ساخت‌های اجتماعی و مصنوعات فرهنگی هستند. به این ترتیب، آسیب با رفتارهایی تعریف می‌شود که غیر معمول، بی‌ربط، یا مغایر با گروه مرجع فرد هستند (میلون، میلون، میگرو همکاران ۲۰۱۲). در این جا معضلی که در ارتباط با اختلالات شخصیت مطرح می‌شود این است که آیا اختلالات شخصیت، صورت شدید گونه‌های شخصیت بهنجارند (ابعاد)، یا شیوه‌هایی ارتباطی هستند که به لحاظ روان‌شناختی با رفتار سالم فرق دارند (مقولات) (ویدیگر و ترول، ۲۰۰۷).

بسیاری از محققان و درمانگران این حوزه، اختلالات شخصیت را صورت‌های افراطی و شدید یک یا چند بُعد شخصیتی می‌دانند. اما به خاطر شیوه‌ی تشخیص‌گذاری در DSM-5، به اختلالات شخصیت-مثل اکثر اختلالات دیگر-نگاهی مقوله‌ای می‌شود (بارلو و دوراند، ۲۰۱۴). در این راستا، اختلالات شخصیت در DSM-5 به سه گروه یا خوشه تقسیم می‌شوند که مبنای خوشه‌بندی، شباهت است. خوشه A، خوشه‌ی اختلالات عجیب یا نامتعارف است و شامل اختلال شخصیت پارانویید، اسکیزوئید و اسکیزوتایپال می‌شود. خوشه B، خوشه‌ی اختلالات نمایشی، هیجانی یا دمدمی است و شامل اختلال شخصیت ضد اجتماعی، مرزی، نمایشی و خودشیفته می‌شود. خوشه C هم خوشه‌ی اختلالات مضطربانه و ترس‌آلود است و شامل اختلال شخصیت اجتنابی، وابسته و وسواسی-اجباری می‌شود (سادوک و سادوک، ۲۰۱۵).

با وجود این سبک از طبقه‌بندی اختلالات شخصیت، بخش ۳ از DSM-5 نیز شامل یک مدل پنج دامنه است که با FFM همخوانی دارد؛ هر دامنه‌ی گسترده به ویژگی‌های اختصاصی‌تر که در چارچوب تشخیصی برای مقوله‌های اختلال شخصیت گنجانده شده‌اند، متناسب با تشخیص FFM از اختلالات شخصیت متمایز می‌شود. پنج عنصر مدل پنج عاملی (FFM) عبارتند از برونگرایی (پر حرفی، ابراز وجود و فعال بودن در مقابل کم حرفی، انفعال و تودار بودن)؛ دلبذیری (مهربانی، همدلی، اعتماد و گرمی در مقابل خصومت، خودخواهی و بی‌اعتمادی)؛ با وجدان بودن (سازمان-یافتگی، دقیق بودن و پایایی در مقابل بی‌دقتی، بی‌توجهی و موثق نبودن)؛ روان‌رنجورخویی (عصبی بودن، دمدمی بودن و تندخویی در برابر خونسردی و آرامی)؛ و گشودگی به تجربه (تخیل، کنجکاوی و خلاقیت در برابر درآک یا زیرک نبودن و سطحی بودن) (مک کری و کاستا، ۲۰۰۸).

یکی از عوامل روان‌شناختی که با اختلالات شخصیت خوشه‌ی B مخصوصاً ضد اجتماعی ارتباط دارد، شادنفروود است. شادنفروود، واژه‌ای آلمانی به معنی تجربه‌ی لذت بردن از بدبختی دیگران است (فیدر و نایرن، ۲۰۰۵). ویژگی‌های پیشنهادی برای تاثیرگذاری بر شادنفروود عبارتند از تنفر (فیدر و نایرن، ۲۰۰۵)، سزاواری (فیدر، ۲۰۰۸؛ فیدر و نایرن، ۲۰۰۵، فن دایک، اورکرک و

گاسلینا، ۲۰۰۹؛ فن دایک، اور کرک، گاسلینا و همکاران، ۲۰۰۵)، حسادت (فیدر، ۲۰۰۸)، دوست داشتنی بودن (هارلی و وینر، ۲۰۰۲)، عزت نفس (فن دایک، فن کانینگسبروگن، اور کرک و همکاران ۲۰۱۱) و رقابت (اسمیت و پاول، ۲۰۰۹).

مطالعات درباره ی ویژگی های شخصیتی مرتبط با شادنفروود کمتر صورت گرفته است. در واقع، مطالعه در مورد رابطه ی تفاوت های فردی و شادنفروود، به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا افراد با ویژگی های شخصیتی خاصی، بیشتر مستعد تجربه شادنفروود هستند؟ (گرینیر، ۲۰۱۷). نتایج موجود نشان می دهند که افراد با نمرات بالاتر در سه گانه ی تاریک (سایکوپات، خودشیفته و ماکیاویلیسم)، بیشتر درگیر فعالیت های ضد اجتماعی می شوند و رضایت بیشتری را از بدبختی دیگران تجربه می کنند (جیمز، کاواناق، جانسون، چونودی و اسکروتون، ۲۰۱۴). سه گانه ی تاریک، نمایان گر خودمحوری و

سردی هیجانی نسبت به دیگران است، بنا بر این، ارتباطش با شادنفروود جای تعجب ندارد. یک فرضیه ی معکوس که می تواند از این یافته حاصل شود این است که آن چه که به عنوان هیجان های گرم و جهت یافته به سوی دیگران نام می گیرد، با شادنفروود رابطه ی منفی خواهد داشت. کاندیداهای احتمالی برای این هیجان ها می توانند همدلی و دلپذیری باشند (گرینیر، ۲۰۱۷). بعضی از پژوهشگران، همبستگی منفی بین همدلی و شادنفروود را گزارش کرده اند (جیمز و همکاران، ۲۰۱۴؛ پورتر، بهانور، وودورث و همکاران، ۲۰۱۴؛ سوادا و هایاما، ۲۰۱۲). در این راستا، ارتباط بین دلپذیری (یکی از صفات پنج بزرگ که مشخصه ی آن گرمی عاطفی نسبت به دیگران است) با شادنفروود در کنار سایر صفات مدل پنج عاملی شخصیت، مطالعه کمی را به خود دیده اند. گرینیر (۲۰۱۷)، در مطالعه ی خود مشاهده کرد که هم پای نمرات بالاتر در شادنفروود، به طور معناداری سطوح پایین تری از همدلی و دلپذیری تجربه می شود.

با بررسی شواهد، به نظر می رسد که قبلاً رابطه ی مستقیم بین اغلب متغیرها انجام شده است. بنا بر این، موضوعی که جای سوال و بحث دارد علاوه بر تکمیل رابطه ی تک تک متغیرهایی که هنوز نحوه ی ارتباط آن ها روشن نشده، بررسی رابطه ی غیرمستقیم و میانجی بین مدل پنج عامل شخصیت و اختلالات شخصیت خوشه ی B، مخصوصاً شخصیت ضد اجتماعی به واسطه ی نقش شادنفروود می باشد که تا به حال انجام نگرفته است. از آن جایی که رابطه ی مستقیم بین هر کدام از متغیرها نسبی است، در این مطالعه، برای این که مشخص شود شادنفروود چقدر در این رابطه سهم دارد، در قالب مدل آسیب شناسی مطرح شده است که پنج عامل بزرگ شخصیت از طریق شادنفروود چقدر بر نشانه های اختلال شخصیت ضد اجتماعی تاثیرگذار است. به این ترتیب هدف از پژوهش حاضر، آزمون روابط

ساختاری بین مدل پنج عاملی شخصیت، شادنفروود و نشانه‌های اختلال شخصیت ضد اجتماعی است که در آن، ویژگی‌های شخصیتی مستعد (عامل آسیب‌پذیری) به واسطه‌ی عوامل بیرونی و احتمالی برانگیزاننده‌ی شادنفروود (عامل استرس)، منجر به بروز نشانه‌های اختلال شخصیت ضد اجتماعی می‌شوند. این مطالعه قادر است در تخصصی‌تر شدن سبب‌شناسی، پیش‌گیری و درمان نشانه‌های اختلال شخصیت ضد اجتماعی راهگشای مسیر باشد. از طرفی دیگر، به دلیل محدود بودن مطالعات این چنینی، مخصوصاً عدم مطالعه‌ی شادنفروود در هیچ‌یک از حیطه‌های مطالعاتی روان‌شناسان ایرانی تا کنون، می‌توان این پژوهش را دروازه‌ای جهت ورود این سازه به ادبیات پژوهشی روان‌شناسی ایران دانست.

روش

این تحقیق یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، همه دانشجویان دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود. از این جامعه ۲۸۵ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و پس از کسب رضایت از افراد، با پرسشنامه مورد ارزیابی قرار گرفتند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل دانشجوی و عدم سابقه دریافت خدمات روانپزشکی و ملاک‌های خروج شامل دانشجو نبودن و در حین درمان بودن و یا داشتن سابقه دریافت درمان‌های روانپزشکی بود.

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش شامل پرسشنامه‌ی پنج عاملی روانرنجوری-برونگرایی-گشودگی^۱، پرسشنامه‌ی بالینی چند محوری میلون^۲ و سناریوهای شادنفروود^۳ بود.

پرسشنامه‌ی پنج عاملی روانرنجوری-برونگرایی-گشودگی برای سنجش ویژگی‌های شخصیتی در این پژوهش، از پرسشنامه‌ی ۵ عاملی شخصیت نئو فرم کوتاه NEO-FFI، که شامل ۶۰ سوال است، استفاده شده است. این پرسشنامه ۵ بعد بزرگ عمده‌ی شخصیت را اندازه می‌گیرد. برای هر عبارت پرسشنامه یک مقیاس درجه بندی پنج رتبه‌ای (لیکرت) وجود دارد که نمره‌گذاری از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم به ترتیب ۰ تا ۴ تعلق می‌گیرد و برای برخی دیگر برعکس. نمرات مقیاس با جمع بستن ۱۲ آیتم برای هر بعد به دست می‌آید (فحی آشتیانی، ۲۰۰۸). تحقیق روشن چسلی و همکاران نشان داد که تنها عوامل روانرنجوری و مسوولیت‌پذیری در تمام آزمودنی‌ها، ثبات درونی قابل قبولی دارند

1 Neuroticism-Extraversion-Openness-Five-Factor Inventory

2 Millon Clinical Multiaxial Inventory-III

3 Schadenfreude Scenarios

(بالا تر از ۰/۷۰) که البته آلفای کرونباخ عوامل برون گرایی و دلپذیری نیز، از سطح توصیه شده برای مقایسه های گروهی، بالاتر است (ملازاده، ۲۰۰۰؛ به نقل از فتحی آشتیانی، ۲۰۰۸).

پرسشنامه ی بالینی چند محوری میلون ۳ (۱۹۹۷)، شامل ۱۷۵ جمله کوتاه خود توصیفی با پاسخ های بلی و خیر می باشد و برای بزرگسالان ۱۸ سال به بالا استفاده میشود. میلون ۳ شامل ۲۸ مقیاس است. این مقیاس ها در چهار گروه الف) الگوهای بالینی شخصیت، ب) الگوهای بالینی شدید، ج) نشانگان بالینی و د) نشانگان بالینی شدید، دسته بندی شده اند. مطالعه توسط خواجه موگهی (۱۳۷۲)، به منظور هنجاریابی میلون ۳ در تهران صورت گرفته است. در مطالعات وی، ضریب پایایی مقیاس های میلون ۲ به روش باز آزمایی با فاصله ی ۷-۱۰ روز از دامنه ی ۰/۷۸ (نمایشی) تا ۰/۸۷ (اختلال هذیانی) به دست آمده است. میلون (۱۹۹۴)، میزان اعتبار آزمون را ۰/۷۸ ذکر کرده است (فتحی آشتیانی، ۲۰۰۸).

سناریوهای شادنفروود برای سنجش شادنفروود، در اغلب مطالعات از سناریوهای محقق ساخته و گاهی نیز از نمایش ویدیویی به فراخور موضوع مورد بررسی استفاده شده است. در این مطالعه از ادغام دو گروه از سناریوهایی که در دو پژوهش مشابه معرفی شده استفاده شده است. در واقع، سناریوهایی که جیمز و همکارانش (۲۰۱۴) معرفی کرده اند، در سایر پژوهش ها نیز به مقدار بیشتری مورد استفاده قرار گرفته است. با این حال، به نظر می رسد سناریوهایی که جیمز و همکارانش (۲۰۱۴) به کار برده اند بیشتر با روحیات مردانه سازگار است و تصور آن موقعیت ها در مردان، بهتر می توانند عواطف و هیجان های برانگیزاننده ی شادنفروود را زنده کنند. بنا بر این، در اینجا علاوه بر سناریوهای مذکور، دو سناریو نیز از مطالعه ی ایبل و بروئر (۲۰۱۷) مربوط به زنان هم گنجانده شد. یعنی، یکی از سه سناریوی جیمز و همکارانش (۲۰۱۴) در هر دو جنس زن و مرد احتمالاً به شکل مشابهی برانگیزاننده ی هیجان شادنفروود (سناریوی پیشرفت طلبی). با این حال، احتمال می رود که زنان نسبت به موقعیت های مقایسه ای خود، همچون فضای عاشقانه و یا ویژگی های ظاهری هم تایان خود (دوست، همکار و ...) حساسیت بیشتری داشته باشند، در حالی که مردان نسبت به موقعیت هایی که از لحاظ مالی و رقابتی مورد ارزیابی قرار می گیرند از لحاظ شدت شادنفروود بیشتر برانگیخته شوند. بنابراین، مجموعاً پنج سناریو از این دو مطالعه دریافت شد.

از آزمودنی ها خواسته شد بعد از مطالعه ی هر یک از سناریوها، موافقت خود را با میزان هریک از احساسات سه گانه (سرگرم کننده و جالب یافتن موقعیت، احساس رضایت خاطر، و احساس خوشحالی) که در آن ها ایجاد شده است را در یک مقیاس لیکرته ی از ۱ (بشدت مخالف) تا ۷ (بشدت موافق) اعلام کنند. در بررسی جیمز و همکارانش (۲۰۱۴)، در سناریوی تاجر ثروتمند، آلفای کرونباخ ۰/۷۴، میانه

۵/۵۰ و انحراف استاندارد ۱/۱۰؛ در سناریوی رقابت ورزشی، آلفای کرونباخ ۰/۸۲، میانه ۴/۲۰ و انحراف استاندارد ۱/۳۲؛ و در سناریوی پیشرفت طلبی، آلفای کرونباخ ۰/۸۲، میانه ۴/۵۸ و انحراف استاندارد ۱/۲۰ بود. گرینیر (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود از سناریوهای جیمز و همکارانش (۲۰۱۴) بهره برده که آلفای کرونباخ را به ترتیب گفته شده مذکور ۰/۷۶، ۰/۸۱ و ۰/۷۳ بدست آورد. در پژوهش ایبل و بروئر (۲۰۱۷) نیز سناریوی توانمندی دارای آلفای کرونباخ ۰/۸۲، میانه ۱۰/۸۳ و انحراف استاندارد ۵/۵۱؛ سناریوی موقعیت عاشقانه آلفای کرونباخ ۰/۸۲، میانه ۶/۶۲ و انحراف استاندارد ۳/۸۹ و در سناریوی ویژگی‌های ظاهری آلفای کرونباخ ۰/۸۷، میانه ۱۰/۳۸ و انحراف استاندارد ۴/۹۹ گزارش شده است.

جهت طبقه‌بندی، پردازش و تحلیل داده‌ها و بررسی فرضیه‌های پژوهش از بیست و چهارمین ویرایش نرم‌افزارهای آماری SPSS و Amos استفاده شد. برازش مدل فرضی با کاربرد روش مدلیابی معادلات ساختاری (SEM) مورد آزمون قرار گرفت.

یافته‌ها

مولفه‌های توصیفی متغیرهای مکنون پژوهش در جدول ۱ دیده می‌شود. همانگونه که مندرجات این جدول نشان می‌دهند تمامی همبستگی‌ها در حد متوسط هستند ($0/566 \leq r \leq 0/560$). و همبستگی تمامی متغیرها با شادنفروود معنی‌دار است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای مکنون و میانگین و انحراف استاندارد متغیرها

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	M	sd
۱ روانرنجوری	۱							۲۷/۸۹	۸/۳۵
۲ برون‌گرایی	-۰/۵۶۰**	۱						۳۲/۲۹	۸/۰۷
۳ با وجدان بودن	-۰/۲۹۳**	۰/۴۲۵**	۱					۳۳/۵۸	۶/۸۶
۴ موافق بودن	-۰/۴۹۴**	۰/۳۳۳**	۰/۱۶۵**	۱				۳۶/۳۰	۶/۳۲
۵ گشودگی به تجربه	۰/۰۰۳	-۰/۰۴۱**	۰/۰۵۷**	۰/۰۲۸**	۱			۳۴/۴۸	۵/۷۶
۶ شادنفروود	۰/۳۱۶**	-۰/۲۰۹**	-۰/۳۱۱**	-۰/۳۶۶**	-۰/۲۳۷**	۱		۴۵/۳۷	۱۷/۷۲
۷ ضد اجتماعی	-۰/۳۲۰**	-۰/۲۰۶**	-۰/۳۰۰**	-۰/۳۱۵**	۰/۰۹۹	۰/۲۷۳**	۱	۵۰/۸۶	۸۲/۲۳

** $P < 0/01$ * $P < 0/05$

شاخص‌های برازش، امکان بررسی مدل را فراهم کرد که در جدول ۲ آورده شده است. با توجه به اعداد درج شده می‌توان نتیجه گرفت که مدل از برازش مطلوبی برخوردار است. همچنین، برای بررسی

مفروضات تحلیل مسیر (روابط خطی بین متغیرها، همبستگی بین متغیرهای پژوهش، مقیاس فاصله‌ای متغیرها و نرمال بودن) نشان داد که روابط خطی بین متغیرها و همبستگی بین متغیرهای پژوهش در ماتریس همبستگی وجود دارد.

جدول ۳. شاخص های برازش مدل اندازه گیری

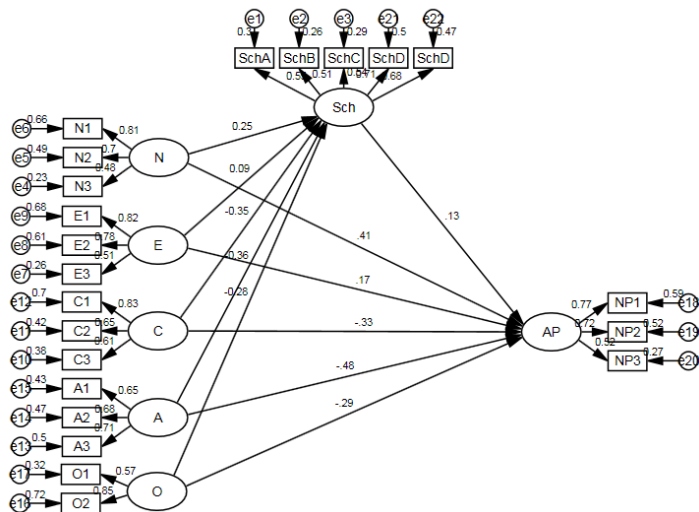
شاخص برازندگی	دامنه قابل پذیرش	مقدار
خی دو (χ^2)	-	۱۱۴۵/۳۲
درجه آزادی (DF)	-	۳۱۲
نسبت خی دو به درجه آزادی	کم تر از ۵	۳/۶۷
شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۳
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۴
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۴
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	کم تر از ۰/۰۸	۰/۰۶۹
ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده (SRMR)	کم تر از ۰/۰۸	۰/۰۶۲

پس از انجام تحلیل، برازش کلی مدل مفهومی بررسی شد. شاخص های برازش مدل مفهومی پژوهش که در جدول ۳ گزارش شده است، نشانگر برازش مطلوب مدل است. بنابراین، مدل ساختاری عامل-های شخصیت با نشانه‌های اختلال شخصیت ضداجتماعی با میانجی‌گری شادنفروود با داده های تجربی برازش مطلوبی دارد.

جدول ۳. شاخص های برازش مدل ساختاری پژوهش

شاخص برازندگی	دامنه قابل پذیرش	مقدار
خی دو (χ^2)	-	۱۷۶۷/۶۲۲
درجه آزادی (df)	-	۳۸۰
نسبت خی دو به درجه آزادی	کم تر از ۵	۴/۶۵
شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۱
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۲
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۲
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	کم تر از ۰/۰۸	۰/۰۷۶
ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده (SRMR)	کم تر از ۰/۰۸	۰/۰۵۹

شکل ۱ مدل ساختاری مفهومی را به همراه ضرایب استاندارد به تصویر می کشد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش همراه با ضرایب استاندارد مدل

نتایج ارایه شده در شکل ۱ نشان می دهد که تعدادی از مسیرهای مدل دارای ضرایب معناداری هستند. ضرایب تعیین متغیرهای درونزای مدل نیز در حد مطلوبی هستند. به طور کلی، این نتایج نشان می دهد که متغیرهای برون زای مدل قادر به تبیین ۴۱ درصد از شادنفروود است. همچنین، متغیرهای مستقل و میانجی قادر به تبیین ۵۱ درصد از ضد اجتماعی هستند؛ بنابراین، برازش مدل ساختاری پژوهش در حد مطلوب است.

نتایج نشان می دهند روانرنجورخویی، با وجدان بودن، دلپذیری و گشودگی به تجربه به عنوان متغیر برون زای، به ترتیب با ضریب استاندارد ۰/۲۵ (t-values = ۲/۵۱)، ۰/۳۵ (t-values = -۴/۱۸)، و ۰/۳۶ (t-values = -۳/۹۴) و ۰/۲۷ (t-values = -۳/۷۹) بر شادنفروود اثر می گذارند. یعنی با افزایش روان-رنجوری شادنفروود نیز افزایش می یابد اما با افزایش با وجدان بودن، دلپذیری و گشودگی به تجربه شادنفروود کاهش پیدا میکند. درحالی که، برون گرایی با ضریب استاندارد ۰/۰۹ (t-values = ۱/۰۷) اثر معنی داری بر شادنفروود ندارد. همچنین، شادنفروود نیز به عنوان متغیر درون زای میانجی، با ضریب استاندارد ۰/۱۳ (t-values = -۳/۷۹) بر متغیر ضد اجتماعی تاثیر معنی داری دارد. یعنی با افزایش شادنفروود، احتمال بروز نشانه های اختلال شخصیت ضد اجتماعی افزایش می یابد. در میان پنج عامل شخصیت، تنها دلپذیری با ضریب استاندارد ۰/۴۸ (p < 0.05) بر نشانه های ضد اجتماعی معنی

دار است. یعنی با افزایش دلپذیری، نشانه های شخصیت ضد اجتماعی کاهش می یابد. در مطالعه حاضر برای ارزیابی روابط واسطه ای از آزمون بوت استرپ استفاده شد. همان گونه که مندرجات جدول ۴ نشان میدهد مسیر دلپذیری به متغیر نشانه های شخصیت ضد اجتماعی با واسطه گری شادنفروود با ضریب استاندارد $-0/048$ در سطح $0/05 < p$ معنی دار است. یعنی با افزایش دلپذیری، میزان شادنفروود و در نتیجه نشانه های اختلال شخصیت ضد اجتماعی کاهش می یابد.

**جدول ۴. نتایج آزمون بوت استرپ برای اثرات واسطه ای
(متغیر وابسته اختلال شخصیت ضد اجتماعی)**

متغیر مستقل	متغیر واسطه ای	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	دامنه پایین	دامنه بالای	Sig.
				% ۹۵	% ۹۵	
روانرنجوری	شادنفروود	$0/033$	$0/041$	$-0/040$	$0/132$	$0/435$
برون گرایی	شادنفروود	$0/013$	$0/023$	$-0/013$	$0/093$	$0/683$
با وجدان بودن	شادنفروود	$-0/047$	$0/065$	$-0/184$	$0/079$	$0/435$
دلپذیری	شادنفروود	$-0/048$	$0/066$	$0/185$	$0/085$	$0/001$
گشودگی به تجربه	شادنفروود	$-0/037$	$0/048$	$-0/149$	$0/057$	$0/437$

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر با استفاده از مدل ساختاری فرضی، رابطه روابط ساختاری عامل های شخصیت با نشانه های اختلال شخصیت ضد اجتماعی با میانجی گری شادنفروود را مورد آزمون قرار داد. نتایج حاصل از مطالعه، بیانگر این بود که روان نژندی بر شادنفروود تاثیر دارد. اگر چه در پژوهش گربنیر (۲۰۱۷) این فرضیه مورد تایید قرار نگرفت اما شادنفروود و همدلی دو روی یک سکه هستند. هر دوی آن ها در شرایط مشاهده ی بدیاری دیگران برانگیخته می شوند. در شادنفروود، ما از دیدن بدیاری دیگران احساس لذت می کنیم (هیجانی با کیفیت مثبت)، در حالیکه در همدلی، ما از تماشای رنج دیگران رنج می بریم (هیجانی با کیفیت منفی) (شیندلر، کرنر، بور و همکاران، ۲۰۱۵). بنا بر این، می توان این چنین استدلال کرد که هر آنچه که با همدلی رابطه مثبت یا منفی دارد، متقابلاً به شکل وارونه می تواند با شادنفروود رابطه داشته باشد. در یک مطالعه (ون، زنگ، جیانگ و همکاران، ۲۰۱۹).

همدلی بطور منفی با روان نژندی در پرستاران بالینی رابطه داشت. همچنین در مطالعه دیگری (کلاکستون اولفیلد و بنزن، ۲۰۱۰) نیز همدلی بیشتر با نمرات پایین تر روان رنجورخویی ارتباط داشت. به این ترتیب تاثیر مستقیم روان نژندی بر شادنفروود تعجبی نخواهد داشت. در این راستا می توان چنین

اظهار کرد که چون مضطرب، تندمزاج، دلسوز برای خود، خودآگاه، هیجانی و نسبت به اختلالات مرتبط با استرس آسیب پذیرند (فیست، فیست و رابرتس، ۲۰۱۳)، بنا بر این، از تماشای بدیاری دیگران احساس تسکین نسبت به شرایط خود را خواهند داشت.

یافته دیگری در این مطالعه نشان داد که با وجدان بودن بر شادنفروند اثرگذار است. یعنی با وجدان بودن با میزان کمتری از شادنفروند ارتباط دارد. در مطالعه ون و همکاران (۲۰۱۹) نیز، با وجدان بودن با همدلی (که نقطه عکس شادنفروند است) رابطه مثبت داشت. در این مطالعه بیان می شود که پرستاران با وجدان بیشتر، در قبال کار خود وظیفه شناسند، در پروسه کاری خود دقیقند، شرایط بیماران را به ذهن می سپارند و مایلند فشار تحمیل شده بر بیماران را کاهش دهند. پیرو همین استدلال قابل درک خواهد بود که افراد دارای خصوصیت با وجدانی بالا، در سایر عرصه های زندگی نیز به همین نسبت مسوولیت پذیرترند و کمتر تمایل به لذت بردن از درد و رنج دیگران دارند. در مطالعه ملچرز، لی، هاس و همکاران (۲۰۱۶) نیز با وجدانی بطور مثبت پیش بینی کننده ی همدلی بود. با این حال این مولفه نیز در مطالعه گرینیر (۲۰۱۷) مورد تایید قرار نگرفت.

همچنین در این مطالعه دیده شد که دلپذیری بر شادنفروند اثر دارد؛ یعنی با افزایش دلپذیری میزان کمتری از شادنفروند بروز پیدا می کند. این فرضیه دارای قوی ترین پشتوانه ی مطالعه شده است. اشخاص با نمره بالا در دلپذیری، افرادی دلرحم، زودباور (اهل اعتماد)، بخشنده، مطیع، پذیرا و مهربان هستند (فیست، فیست و رابرتس ۲۰۱۲). دور از انتظار نیست که چنین افرادی در مقابل رنج دیگران نمی توانند احساس لذت و رضایت کنن. بلکه احساس همدلی در آن ها برانگیخته می شود. در مطالعه ی سونگ و شی (۲۰۱۷)، ون و همکاران (۲۰۱۹)، گنزالز، باتالا، فورنه، و همکاران (۲۰۱۹) دلپذیری ارتباطی قوی با همدلی داشت. دلپذیری همچنین در دانشجویان پزشکی پرتغالی با همدلی بیشتر ارتباط داشت (ماگاللز، کاستا و کاستا، ۲۰۱۲؛ کاستا، الوز، نتو و همکاران، ۲۰۱۴). دلپذیری همچنین پیش بینی کننده ی مهم همدلی در میان فرهنگ ها بود (کاستا، ترکسیانو، و مک کری، ۲۰۰۱) به نظر می رسد که دلپذیری اساسا با همدلی ارتباط دارد، مخصوصا با نگرانی همدلانه، که بیانگر هیجانی معطوف به کمک به دیگران یا احساس مسوولیت و نگرانی در مورد بهزیستی دیگران است (مورادیان، دیویس و ماترلر، ۲۰۱۱). این فرضیه در پژوهش گرینیر (۲۰۱۷) مورد تایید قرار گرفت. در مطالعه ی او مشخص شد که با افزایش میزان دلپذیری، شادنفروند کاهش می یابد. از طرفی دیگر مشاهده شد که گشودگی به تجربه بر شادنفروند نیز تاثیر دارد؛ هر قدر گشودگی به تجربه افزایش یابد، شادنفروند کاهش پیدا میکند. در مطالعه گرینیر (۲۰۱۷)، این فرضیه مورد تایید قرار نگرفت. اما در پژوهش های دیگری که رابطه

همدلی و پنج بزرگ مورد بررسی شده است، ارتباط مثبت بین همدلی و گشودگی به تجربه مورد تایید قرار گرفته (ماگاللز و همکاران، ۲۰۱۲؛ کاستا و همکاران، ۲۰۱۴؛ ترین، لایرتر، شمیت و همکاران، ۲۰۱۳؛ کلاکستون و بنزن، ۲۰۱۰).

در پژوهش ون و همکاران (۲۰۱۹) بیان میشود که پرستاران با تمایل به گشودگی، تخیل غنی دارند، احساساتی هستند، تمایل دارند دائماً مفاهیم قدیمی را آزمایش کنند، از نظر نوآوری بالینی، خوب هستند و مستعد حل مشکلات پرستاری با استفاده از روشهای مختلف برای بهبود تجربه بیماران هستند. همچنین کسانی که نمرات بالایی در گشودگی به تجربه دارند، در معرض روشهای جدید تفکر و تغییر در محیط خود قرار می گیرند، بنابراین از این حساسیت و بصیرت برای درک سایر افراد و توانایی درک شرایط عاطفی و شخصی دیگران برخوردار هستند (کاستا و همکاران، ۲۰۱۴). با این استنباط می توان بیان کرد که افراد با گشودگی بالا در سایر موارد زندگی نیز خصوصیات مشابهی دارند میزان همدلی افزایش و متعاقباً میزان شادنفروود کاهش می یابد.

از سویی دیگر، ملاحظه شد که دلپذیری بر نشانه های اختلال شخصیت ضد اجتماعی تاثیر دارد. یعنی با افزایش میزان دلپذیری، بروز نشانه های اختلال شخصیت ضد اجتماعی کاهش می یابد. در این راستا می توان بیان داشت که دلپذیری، با سبک روابط بین فردی اشخاص ارتباط دارد. افراد با دلپذیری بالا، میزان بیشتر اعتمادکننده، روراست و همدل هستند، در حالیکه افراد با دلپذیری پایین، خودبین، دستکاری کننده و بی تفاوت نسبت به دیگرانند. افراد ضد اجتماعی نیز بطور بیمارگونه ای دروغ میگویند، فقدان ندامت و پشیمانی و نیز فقدان همدلی دارند. همچنین تکانشگر و بی مسوولیت اند. به این ترتیب همخوانی قابل توجهی میان کمبود دلپذیری و افزایش نشانه های شخصیت ضد اجتماعی به چشم میخورد.

و آخرین یافته بیانگر آن است که دلپذیری بر نشانه های اختلال شخصیت ضد اجتماعی با میانجی گری شادنفروود نقش دارد. یعنی با افزایش دلپذیری، میزان کمتری از شادنفروود و در نتیجه شدت کمتری از نشانه های اختلال شخصیت ضد اجتماعی محتمل خواهد بود. سهم زیادی از مطالعات بالینی به ارتباط میان سایکوپاتی و کمبود همدلی پرداخته اند. لازم به ذکر است که مفهوم سایکوپاتی از توصیف رفتاری مبتنی بر اختلال شخصیت ضد اجتماعی در DSM-5 متمایز است اما به آن مربوط می شود، که شامل «الگوی فراگیر بی توجهی به و نقض حقوق دیگران» است (میلر، لینام، ویدیکر و همکاران، ۲۰۰۱). پروژه هر (هر، ۱۹۹۱) که بهترین پروژه عملیاتی سازی سایکوپاتی است (لایلنفلد، ۱۹۹۸)، استنباط هایی در مورد ویژگیهای شخصیتی شامل می شد (برای مثال دروغگویی پاتولوژیک، عدم

پشیمانی، عدم همدلی، تکانشگری و بی مسوولیتی) که به عنوان مشکلات رفتاری و تطبیق پذیری جنایی در مشکلات رفتاری ضد اجتماعی شناخته می شود (میلر و همکاران، ۲۰۰۱). بنابراین، احتمالاً می توان اختلال شخصیت ضد اجتماعی را شکل شدیدتری از سایکوپاتی دانست.

از سویی دیگر، ارتباط میان سه گانه تاریک (ماکیاولیسم، خودشیفته و سایکوپاتی) با شادنفرو در مطالعات پیشین ملاحظه شده است (جیمز و همکاران، ۲۰۱۴؛ پورتر و همکاران، ۲۰۱۴). پورتر (۲۰۱۴) در مطالعه خود نشان داد که افراد سایکوپات از میان سه گانه تاریک، بطور خاص بیشتر مستعد جستجوی فعالانه برای فیلمهایی بودند که افراد آسیب دیده در زندگی روزمره را به تصویر می کشد. جیمز و همکاران (۲۰۱۴) نیز ملاحظه کردند که افراد با ویژگی سایکوپاتی بالاتر، برخلاف سایر سه گانه تاریک، در تمام سناریوهای مطرح شده اش هیجان شادنفرو را تجربه میکردند. در این مسیر می توان چنین بیان داشت که چون یکی از ویژگیهای اصلی دلپذیری، همدلی است، و همدلی و شادنفرو دو سر یک طیف هستند، با کاهش دلپذیری و متعاقب آن کاهش همدلی، به طور خودکار میزان شادنفرو افزایش می یابد. و قابل انتظار خواهد بود افرادی که از رنج و بدبیری دیگران بیشتر لذت می برند، بیشتر مستعد حامل بودن برای ویژگی های سایکوپاتی و شکل شدیدتر آن یعنی نشانه های ضد اجتماعی باشند.

references

- Abell, L., & Brewer, G. (2017). Machiavellianism and schadenfreude in women's friendships. *Psychological reports*, 121(5), 909-919.
- Anderson, J. C., & Gerbing, D. W. (1988). Structural equation modeling in practice: A review and recommended two-step approach. *Psychological bulletin*, 103(3), 411.
- Barlow, D., & Durand, V. (2014). *Abnormal psychology: An integrative approach*. Stanford: Nelson Education.
- Claxton-Oldfield, S., & Banzen, Y. (2010). Personality characteristics of hospice palliative care volunteers: the "big five" and empathy. *American Journal of Hospice and Palliative Medicine*, 27(6), 407-412.
- Costa Jr, P. T., Terracciano, A., & McCrae, R. R. (2001). Gender differences in personality traits across cultures: robust and surprising findings. *Journal of personality and social psychology*, 81(2), 322.
- Costa, P., Alves, R., Neto, I., Marvao, P., Portela, M., & Costa, M. J. (2014). Associations between medical student empathy and personality: a multi-institutional study. *PloS one*, 9(3), e89254.
- Fathi Ashtiani, A. (2005). psychological assessment. Tehran: Be'sat. (Persian)
- Feather, N. T. (2008). Effects of observer's own status on reactions to a high achiever's failure: Deservingness, resentment, schadenfreude, and sympathy. *Australian Journal of Psychology*, 60(1), 31-43.
- Feather, N. T., & Nairn, K. (2005). Resentment, envy, schadenfreude, and sympathy: Effects of own and other's deserved or undeserved status. *Australian journal of psychology*, 57(2), 87-102.
- Feist, J., Feist, G.J., & Ann Roberts, T. (2013). *Theories of personality*. Boston, MA: McGraw Hill Higher Education.
- First, M. B., Regier, D. A., & Kupfer, D. J. (2002). A Research Agenda for DSM-V. *American Psychiatric Association*, 123-199.
- Ghaderi, M., Ahi, Q., Vaziri, S., Mansouri, A., & Shahabizadeh, F. (2020). The mediating role of emotion regulation and intolerance of uncertainty in the relationship between childhood maltreatment and nonsuicidal self-injury in adolescents. *International Archives of Health Sciences*, 7(2), 96-103.
- Greenier, K. D. (2018). The relationship between personality and schadenfreude in hypothetical versus live situations. *Psychological reports*, 121(3), 445-458.

- Guilera, T., Batalla, I., Forné, C., & Soler-González, J. J. B. m. e. (2019). Empathy and big five personality model in medical students and its relationship to gender and specialty preference: a cross-sectional study. *19*(1), 57.
- Hare, R. D., Neumann, C. S., & Widiger, T. A. (2012). *Psychopathy* (T. A. Widiger Ed.). New York: Oxford University Press.
- Hareli, S., & Weiner, B. (2002). Dislike and envy as antecedents of pleasure at another's misfortune. *Motivation and emotion*, *26*(4), 257-277.
- James, S., Kavanagh, P. S., Jonason, P. K., Chonody, J. M., & Scrutton, H. E. (2014). The Dark Triad, schadenfreude, and sensational interests: Dark personalities, dark emotions, and dark behaviors. *Personality and Individual Differences*, *68*, 211-216.
- Johnson, E. N., Kuhn Jr, J. R., Apostolou, B. A., & Hassell, J. M. (2013). Auditor perceptions of client narcissism as a fraud attitude risk factor. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, *32*(1), 203-219.
- Krizan, Z., & Johar, O. (2012). Envy divides the two faces of narcissism. *Journal of personality*, *80*(5), 1415-1451.
- Lynam, D. R., & Vachon, D. D. (2012). Antisocial personality disorder in DSM-5: Missteps and missed opportunities. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, *3*(4), 483.
- Magalhães, E., Costa, P., & Costa, M. J. (2012). Empathy of medical students and personality: evidence from the Five-Factor Model. *Medical teacher*, *34*(10), 807-812.
- McCrae, R., & Costa, P. (2008). *The five-factor theory of personality* (O. P. John, RW Robins, & L. Pervin Eds. 3rd ed.). New York: NY: Guilford.
- Melchers, M. C., Li, M., Haas, B. W., Reuter, M., Bischoff, L., & Montag, C. (2016). Similar personality patterns are associated with empathy in four different countries. *Frontiers in psychology*, *7*, 290.
- Millon, T. (1997). Millon Clinical Multiaxial Inventory-III [Manual Second Edition]. In: Bloomington, MN: Pearson Assessments.
- Mooradian, T. A., Davis, M., & Matzler, K. (2011). Dispositional empathy and the hierarchical structure of personality. *The American journal of psychology*, *124*(1), 99-109.
- Paulhus, D. L., & Williams, K. M. (2002). The dark triad of personality: Narcissism, Machiavellianism, and psychopathy. *Journal of research in personality*, *36*(6), 556-563.
- Porter, S., Bhanwer, A., Woodworth, M., & Black, P. J. (2014). Soldiers of misfortune: An examination of the Dark Triad and the experience of schadenfreude. *Personality and Individual Differences*, *67*, 64-68.
- Roberts, B. W., & Mroczek, D. (2008). Personality trait change in adulthood. *Current directions in psychological science*, *17*(1), 31-35.
- Sadock, B. J. (2015). Kaplan & Sadock's synopsis of psychiatry: behavioral sciences/clinical psychiatry.
- Saffari Nia, M., Dehestani, M., & Fetri, A. (2018). The mediating effect of empathy, rumination, and anger on the relationship between narcissism and lack of interpersonal forgiveness. *Social Cognition*, *6*(2), 143-154.
- Sawada, M., & Hayama, D. (2012). Dispositional vengeance and anger on schadenfreude. *Psychological reports*, *111*(1), 322-334.
- Schindler, R., Körner, A., Bauer, S., Hadji, S., & Rudolph, U. (2015). Causes and consequences of schadenfreude and sympathy: A developmental analysis. *PloS one*, *10*(10), e0137669.
- Smith, R. H., Powell, C. A., Combs, D. J., & Schurtz, D. R. (2009). Exploring the when and why of schadenfreude. *Social and Personality Psychology Compass*, *3*(4), 530-546.
- Song, Y., & Shi, M. (2017). Associations between empathy and big five personality traits among Chinese undergraduate medical students. *PloS one*, *12*(2), e0171665.
- Tran, U. S., Laireiter, A. R., Neuner, C., Schmitt, D. P., Leibetseder, M., Szente-Voracek, S. L., & Voracek, M. (2013). Factorial structure and convergent and discriminant validity of the E (Empathy) Scale. *Psychological reports*, *113*(2), 441-463.
- Van Dijk, W. W., Ouwerkerk, J. W., & Goslinga, S. (2009). The impact of deservingness on schadenfreude and sympathy: Further evidence. *The Journal of Social Psychology*, *149*(3), 390-392.
- Van Dijk, W. W., Ouwerkerk, J. W., Goslinga, S., & Nieweg, M. (2005). Deservingness and Schadenfreude. *Cognition and Emotion*.
- Van Dijk, W. W., van Koningsbruggen, G. M., Ouwerkerk, J. W., & Wesseling, Y. M. (2011). Self-esteem, self-affirmation, and schadenfreude. *Emotion*, *11*(6), 1445.
- Wan, Q., Jiang, L., Zeng, Y., & Wu, X. (2019). A big-five personality model-based study of empathy behaviors in clinical nurses. *Nurse education in practice*, *38*, 66-71.
- Widiger, T. A. (2012). *Big Five Model and personality disorders. Encyclopedia of Human Behavior (Second Edition)*, 330-337

Journal of
Thought & Behavior in Clinical Psychology
Vol. 15 (No. 57), pp.63-76, 2022

Structural Relationships of Personality Factors with Antisocial Personality Symptoms Mediated by Schadenfreude

Yeganeh, Narges¹., Bakhshipour Roudsari Abbas².,
& Mahmoud Aliloo, Majid³

Received: 2021/05/07

Accepted: 2021/9/31

Various personality factors can be directly or indirectly associated with the emergence of psychological symptoms. Schadenfreude, an emotion defined as taking pleasure in the pain and suffering of others, can be experienced by most individuals, like other emotions. However, schadenfreude may manifest more prominently in individuals with specific personality traits and in the presence of particular triggers, potentially representing an indicator of certain personality disorder symptoms. The objective of this research was to examine the structural equation modeling of personality factors with symptoms of antisocial personality disorder (ASPD), with schadenfreude acting as a mediator. For this purpose, personality factors were considered as the exogenous variable, symptoms of ASPD as the endogenous variable, and schadenfreude as the mediating variable. Two hundred eighty-five students from Tabriz University were selected using convenience sampling and assessed using the Millon Clinical Multiaxial Inventory-III (MCMI-III) and hypothetical schadenfreude scenarios. The evaluation of the hypothesized research model using fit indices indicated a good fit. The results demonstrated that agreeableness, among the Big Five personality factors, significantly influenced ASPD symptoms through the mediation of schadenfreude. These findings, in addition to supporting the hypothesized model for ASPD symptoms, provide a suitable framework for understanding the etiology of this personality disorder.

Keywords: Schadenfreude, Antisocial Personality, Big Five Personality Factors, Emotion, Structural Relationships.

¹ Dept. of Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran (Corresponding Author)
nargesi.ygn@gmail.com

² Dept. of Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

³ Dept. of Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.